

شاهنامه فردوسی
تألیف: ابوالفتح محمد فردوسی
براس چاپ سکو

www.ketab.ir

سرشناسه: فردوسی، ابوالقاسم، ۳۲۹ - ۴۱۶ ق. Ferdowsi, Aboqasem

عنوان و نام پدیدآور: شاهنامه فردوسی براساس چاپ مسکو/ حکیم ابوالقاسم فردوسی طوسی.

مشخصات نشر: تهران: پارمیس، ۱۴۰۳.

مشخصات ظاهری: ۸ ج. در یک مجلد (۱۶۹۹ ص.).

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۲۲۸-۱۹-۹

وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا

موضوع: شعر فارسی -- قرن ۴ ق. Persian poetry--10th century

رده‌بندی کنگره: ج ۱۳۸۹ ۴۴۹۰ PIR

رده‌بندی دیویی: ۸۱۱ / ۲۱

شماره کتابشناسی ملی: ۹۶۶۰۹۳۰

عنوان کتاب: شاهنامه فردوسی

نوبت چاپ: اول ۱۴۰۳

تعداد نسخه: ۵۰۰

نوع چاپ: چاپ

نوع کاغذ: صحافی

قطع: وزیری

لیتوگرافی: تخت جمشید

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۲۲۸-۱۹-۹

خیابان کارگر جنوبی، پایین‌تر از میدان حر،

کوچه حاتمی، پلاک ۲۷

تلفن: ۶۶۴۹۶۹۲۵ - ۶۶۴۹۷۱۲۴

تلفکس: ۶۶۴۷۵۹۲۰

www.parmispublisher.ir



SCAN ME



اشارات پارس

«حق چاپ برای ناشر محفوظ می باشد.»

فهرست مطالب

پیشگفتار	۷
زندگینامه حکیم ابوالقاسم فردوسی طوسی	۱۱
جلد اول	۳۱
آغاز کتاب	۲۳
ستایش خرد	۲۳
گفتار اندر آفرینش عالم	۲۴
گفتار اندر آفرینش مردم	۲۵
گفتار اندر آفرینش آفتاب	۲۵
در آفرینش ماه	۲۵
گفتار اندر ستایش پیغمبر	۲۶
گفتار اندر فراهم آوردن کتاب	۲۷
داستان دقیقی شاعر	۲۷
بنیاد نهادن کتاب	۲۸
در داستان ابومنصور	۲۸
ستایش سلطان محمود	۲۹
کیومرث	۳۱
هوشنگ	۳۳
طهمورث	۳۵
جمشید	۳۶
ضحاک	۴۲
فریدون	۵۸
منوچهر	۸۸
ملحقات	۱۴۲
پادشاهی نوزد	۱۵۶
پادشاهی زوطهماسب	۱۷۴
پادشاهی گرشاسب	۱۷۵
کیقباد	۱۸۲
پادشاهی کی کاووس و رفتن او به مازندران	۱۸۹
رزم کاووس با شاه هاموران	۲۱۹
سهراب	۲۴۰
ملحقات	۲۷۴
جلد دوم	۲۸۱
داستان سیاوش	۲۸۳
ملحقات	۴۰۴
جلد سوم	۴۱۱
کیخسرو	۴۱۳
داستان سیاوش	۴۱۳
داستان کاموش	۴۲۵
داستان خاقان چین	۴۶۵
داستان اکوان دیو	۵۱۲
ملحقات	۵۵۰
جلد چهارم	۵۶۹
داستان بیژن و منیژه	۵۷۱
داستان دوازده رخ	۶۱۴
جنگ بزرگ کیخسرو با افراسیاب	۶۹۱
اندر ستایش سلطان محمود	۶۹۱
ملحقات	۷۸۷
جلد پنجم	۷۹۱
پادشاهی لهراسپ	۷۹۳
پادشاهی گشتاسب صد و بیست سال بود	۸۲۳
ب خواب دیدن فردوسی دقیقی را	۸۲۳
سخن دقیقی	۸۲۳
سخن فردوسی	۸۵۷

www.ketab.ir

داستان هفتخوان اسفندیار	۸۷۳	پادشاهی بلاش پیروز چهار سال بود	۱۲۷۷
داستان رستم و اسفندیار	۹۰۱	پادشاهی قباد چهل و سه سال بود	۱۲۸۳
آغاز داستان	۹۰۱	داستان مزدک با قباد	۱۲۸۹
داستان رستم و شغاد	۹۵۶	پادشاهی کسری نوشین روان چهل و هشت سال بود	۱۲۹۵
داستان هفتخوان اسفندیار	۹۶۸	آغاز داستان	۱۲۹۵
پادشاهی همای چهارزاد سی و دو سال بود	۹۷۴	داستان نوشزاد با کسری	۱۳۱۸
پادشاهی داراب دوازده سال بود	۹۸۵	داستان بوزرجمهر	۱۳۲۶
پادشاهی دارای داراب چهارده سال بود	۹۹۰	داستان مهبود با زروان	۱۳۴۴
جلد هشتم	۱۰۰۵	رزم خاقان چین با هیتالیان	۱۳۵۰
پادشاهی اسکندر	۱۰۰۷	داستان در نهادن شطرنج	۱۳۷۸
پادشاهی اشکانیان	۱۰۷۱	داستان طلخند و گو	۱۳۸۴
پادشاهی اردشیر	۱۰۹۸	داستان کلیله و دمنه	۱۴۰۰
پادشاهی شاپور پسر اردشیر سی و یک سال		داستان کسری با بوزرجمهر	۱۴۰۵
پادشاهی اورمزد	۱۱۲۰	نامه کسری به هرمزد	۱۴۱۶
پادشاهی بهرام	۱۱۲۴	سخن پرسیدن موید از کسری	۱۴۱۸
پادشاهی بهرام بهرام نورز	۱۱۲۷	وفات یافتن قیصر روم و رزم کسری	۱۴۲۴
پادشاهی بهرام بهرامیان	۱۱۲۸	پادشاهی هرمزد دوازده سال بود	۱۴۳۶
پادشاهی نرسی بهرام	۱۱۳۱	آغاز داستان	۱۴۳۷
پادشاهی اورمزد نرسی	۱۱۳۱	جلد هشتم	۱۴۹۵
پادشاهی شاپور ذو الاکتاف	۱۱۳۲	پادشاهی خسرو پرویز	۱۴۹۹
پادشاهی اردشیر نکوکار	۱۱۵۴	گفتار اندر داستان خسرو و شیرین	۱۵۰۱
پادشاهی شاپور سوم	۱۱۵۴	پادشاهی شیرویه	۱۶۱۲
پادشاهی بهرام شاپور	۱۱۵۵	پادشاهی اردشیر شیروی	۱۶۳۵
پادشاهی یزدگرد بزه گر	۱۱۵۷	پادشاهی فرابین	۱۶۵۴
پادشاهی بهرام گور	۱۱۸۰	پادشاهی پوران دخت	۱۶۵۶
ملحقات	۱۲۴۵	پادشاهی آزرمدخت	۱۶۵۸
جلد هفتم	۱۲۶۹	پادشاهی فرخزاد	۱۶۵۹
پادشاهی یزدگرد هجده سال بود	۱۲۷۱	پادشاهی یزدگرد	۱۶۵۹
پادشاهی هرمز یک سال بود	۱۲۷۲	ملحقات	۱۶۶۰
پادشاهی پیروز بیست و هفت سال بود	۱۲۷۲		۱۶۸۸

پیشگفتار

این پیشگفتار خلاصهٔ مقدمهٔ مفصلی است به قلم دانشمند فقیدی برتلس (وفات سال ۱۹۷۵) که متن انتقادی حاضر تحت نظر وی تهیه شده است.

چنانکه معلوم است اولین متون کامل و علمی شاهنامه که در قرن گذشته به توسط ت. ماکان و ژ. مول انتشار یافت از موفقیت‌های مهم به‌شمار می‌آیند، پاره‌ای از خواسته‌های اساسی متن انتقادی علمی را برآورده نمی‌ساختند. نه تنها ماکان در مقدمه‌های متن‌های انتقادی خود صراحتاً تذکار نداده‌اند که کدام نسخه‌ها را مورد استفاده قرار داده‌اند، بلکه ماکان و مول هم صراحتاً تذکار نداده‌اند که کدام نسخه‌ها را مورد استفاده قرار داده‌اند. هر دو ناشر، آنقدر که معلوم است، شمارهٔ زیادی از نسخه‌های نه چندان قدیمی شاهنامه را گرفته، آنها را با یکدیگر مقایسه کرده و متن اصلی را نسبتاً خودسرانه انتخاب نموده و واریانت‌های نسخه‌های دیگر را ابداً ذکر نکرده‌اند. چنین متنی با متن‌هایی به دست آمده است که قرائت آنها آسان ولی رابطه‌شان با متن اصلی اثر فردوسی نامعلوم است.

در اواخر قرن گذشته، وولترس چاپ دیگری از شاهنامه منتشر ساخت. وولترس چاپ‌های مول و ماکان را با هم مقایسه نموده، متن خود را بر پایهٔ این دو چاپ قرار داد و تفاوت آنها را با دقت در پاورقی ذکر نمود. علاوه بر آنکه چاپ وولترس به واسطهٔ فوت ناشر ناتمام ماند این چاپ نیز مسائل عمده‌ای را که بر عهدهٔ علم است، یعنی رجوع به قدیمی‌ترین، بهترین و معتبرترین نسخه‌های خطی و همچنین معرفی نسخه‌های مورد استفاده و ذکر دقیق نسخه بدل‌ها، حل ننمود.

هنگام جشن هزارهٔ فردوسی چاپخانهٔ «بروخیم»، متن ناتمام وولترس را تقریباً بدون تغییر چاپ نمود و ترتیب دادن بقیهٔ آن را، که وولترس و شاگردش لاندل اور بدان توفیق نیافته بودند، به عهدهٔ سعید نفیسی گذاشت. متن شاهنامهٔ چاپخانهٔ «خاور» که به مناسبت جشن هزارهٔ فردوسی

انتشار یافته و همچنین چاپ دبیر سیاقی که در این اواخر منتشر می‌گردد نیز هر دو اصولاً بر پایه متن‌های مول و ماکان قرار دارند.

دانشمندان جهان بارها درباره لزوم انتشار متن انتقادی جدیدی از این اثر پر عظمت، داهیانیه و دارای اهمیت جهانی، که متکی بر اصول علمی و قدیمی‌ترین و بهترین نسخ باشد، تذکار داده‌اند. انستیتوی خاورشناسی فرهنگستان علوم شوروی برای انتشار متن نوین علمی شاهنامه راه دیگری که با راه متقدمین تفاوت دارد در پیش گرفت. استفاده از چاپ‌های قبلی که بر پایه نسخ نامعلوم و بدون ذکر تاریخ قرار دارند - به جز در موارد استثنایی - بدون فایده تشخیص داده شد. هم چنین رجوع به شماره زیادی از نسخ خطی قرون مختلف که دارای اغلاط و اشتباهات و اضافات و تحریفات زیادند نیز غیر مفید به نظر رسید. در نتیجه چنین تصمیم گرفته شد که فقط از قدیمی‌ترین نسخه‌ها که تقریباً همزمان و از حیث متن به یکدیگر نزدیک باشند استفاده گردد.

ترتیب دهندگان متن برای کار خود از نسخ خطی زیرین استفاده نموده‌اند:

۱. نسخه خطی موزه بریتانیا، که در سال ۶۷۵ هجری کتابت شده، از کلیه نسخ خطی که تا به حال معلوم شده، بهترین است و به نظر ما بهترین نسخه موجود است.

۲. نسخه خطی کتابخانه عمومی لنینگراد که در سال ۷۳۳ هجری کتابت شده و دومین نسخه‌ای است که قدیمی‌تر از کلیه نسخه‌های مشهور است.

۳. نسخه خطی انستیتوی خاورشناسی دانشگاه علوم شوروی که در سال ۸۴۹ هجری کتابت شده ولی حاوی «مقدمه قدیم» شاهنامه است و بهر این از روی نسخه‌ای قدیمی‌تر، که با متن نسخه سال ۷۳۳ بسیار نزدیک بوده است، استنساخ گردیده.

۴. نسخه خطی انستیتوی خاورشناسی فرهنگستان علوم شوروی، بدون تاریخ، ولی به حسب شیوه کتابت، جنس کاغذ و اسلوب مینیاتورهای توان قضاوت کرد که تقریباً در سال ۸۵۰ هجری استنساخ شده است. در این نسخه اشتباهات و اغلاط زیاد است، اما این نسخه نیز حاوی «مقدمه قدیم» می‌باشد و از روی نسخه‌ای کتابت شده که در بعضی از موارد بسیار نزدیک به نسخه خطی سال ۶۷۵ هجری است.

این چهار نسخه حاوی متنی است که قبل از تهیه نسخه خطی مشهور برای بایسنقر در سال ۸۳۳ هجری رواج داشته است. کلیه اطلاعات و نظریات راجع به «مقدمه قدیمی» و نسخه خطی سال ۸۳۳ هجری توسط ی. برتلس در مقدمه روسی این جلد شرح داده شده است. و نیز در همین مقدمه مختصات کلیه نسخ مورد استفاده مشروحاً ذکر گردیده است.

پیشگفتار

متن حاضر که بر پایهٔ چهار نسخهٔ نامبرده قرار دارد، با ترجمهٔ عربی شاهنامه نیز که در سال‌های ۶۱۵-۶۲۴ هجری توسط الفتح ابن علی البنداری الاصفهانی انجام یافته است مطابقت داده شده. ولی از آنجا که این ترجمه در بسیاری از موارد از ترجمهٔ دقیق متن صرف نظر نموده و به نقل مختصر واقعه قناعت ورزیده است، استفاده از آن برای ترتیب دادن متن حاضر با احتیاط فراوان همراه می‌باشد. از طرف دیگر بسیاری از جزئیات ترجمهٔ بنداری برای ترتیب دادن این متن کمک گرانبهائی بوده، خصوصیات این ترجمه و شیوهٔ استفاده از آن نیز توسط ی. برتلس در مقدمهٔ روسی به تفصیل شرح داده است.

هیچ یک از نسخ مورد استفاده نمی‌توانست پایهٔ متن حاضر قرار گیرد. بدین جهت برای ترتیب دهندگان متن لازم می‌آمد که متن اصلی را پس از مقایسهٔ دقیق کلیهٔ نسخه‌های مورد استفاده و با در نظر گرفتن دقیق کلیه اختلافات و تفاوت‌های آنها انتخاب نموده تفاوت‌ها را در پاورقی قید نمایند تا محققینی که بعداً دربارهٔ متن شاهنامه تتبع می‌نمایند امکان داشته باشند کلیهٔ جزئیات کار ما را مورد بازرسی قرار دهند.

محک و معیار شیوهٔ بیان و سبک و زبان شاهنامه در کار ترتیب دادن این متن با کمال احتیاط به کار برده شده است. زیرا مسئله این است که ما متن اصلی شاهنامه را در دست نداریم و فقط کوشش می‌کنیم تا هر قدر ممکن است بدان نزدیک تر شویم. زبان سبک و شیوهٔ بیان فردوسی را فقط می‌توان از متن اصلی شاهنامه بدست آورد. بنابر این اگر ما اکنون سبک و شیوهٔ فردوسی را عاملی شناخته شده بدانیم و بخواهیم به وسیلهٔ آنان طریق ترتیب دادن متن اصلی را سازیم دچار اشتباهی منطقی خواهیم شد. زیرا عامل مجهولی برای ما نقش معرف بازی خواهد کرد و یا به عبارت دیگر نامعلومی معرف نامعلوم دیگری خواهد بود. و همانا به همین جهت فرهنگ ف. ولف که بر پایهٔ چاپ‌های مول و ماکان، یعنی متون درهم آمیخته، و براساس نسخه‌های خطی قرون مختلف قرار گرفته، نیز در ترتیب دادن این متن از طرف ما با کمال احتیاط به کار برده شده است.

بدین شکل، متن حاضر به طور کلی حاوی متنی است که از کلیهٔ متون معلوم شاهنامه قدیمی تر است و مربوط به قرون هفتم و هشتم هجری می‌باشد، و هم چنین نسخه‌های هم عصر و هماهنگ این قرون را که تاکنون مورد استفاده قرار نگرفته‌اند در دسترس دانش پژوهان قرار می‌دهد. بی‌شک این متن از متن‌های درهم آمیخته چاپ‌های موجود و نسخ قرون پس از قرن نهم هجری به متن اصلی که پرداختهٔ خامهٔ فردوسی است نزدیک تر می‌باشد.

با وجود این، متن حاضر را به هیچ وجه نمی‌توان متن «آخرین» و «متن اصلی» به شمار آورد

بلکه تتبع عمیق فیلولوژیک متن شاهنامه فقط آغاز می‌گردد. قبل از هر کار لازم است که منظره تغییر تاریخی‌ای که متن شاهنامه در جریان قرون متوالی بدان دچار گردیده است تثبیت گردد. ولی انجام یکباره این امر به واسطه وجود نسخه‌های خطی بی‌شمار بسیار دشوار است. ما در چاپ حاضر متنی مبنی بر قدیمی‌ترین نسخه‌ها را در دسترس خوانندگان و محققین قرار می‌دهیم. برپایه این متن باید فرهنگی «کنکور دانش» نظیر فرهنگ ف. ولف تنظیم گردد. این فرهنگ برپایه نسخ خطی‌ای که تاریخ کتابت آنها دقیقاً معلوم است قرار خواهد داشت و در آن ذکر خواهد شد که هر کلمه در کدام نسخه وجود دارد. چنین فرهنگی نظر ما را نسبت به لغاتی که فردوسی به کار برده است دقیق‌تر خواهد ساخت و امکان خواهد داد که با کمک مراجعه همه جانبه به متن از نو به تحقیق درباره شاهنامه بپردازیم. و فقط پس از آن است که می‌توانیم مسئله متن نسبتاً «آخرین» شاهنامه را مطرح کنیم. برای این کار می‌توان همچنین از نسخ خطی دیگر شاهنامه و کتب قدیمی دیگری که حاوی بعضی از قسمت‌ها و ابیات اصیل شاهنامه باشند استفاده نمود، زیرا در این صورت چند محک و معیار برای سنجش اصالت آنها در دست خواهد بود. همچنین می‌توان منابع مختلف دیگر مانند طبری، ثعالبی، بلعمی و غیره و نیز فرهنگ‌ها را مورد استفاده قرار داد. از تفسیر مشروح تمام متن شاهنامه و بکار بردن کلیه شیوه‌های انتقاد فیلولوژیک آغاز نمود.

ولی این کار مربوط به آینده است. حال حاضر ما قدیمی‌ترین متن شاهنامه را به خوانندگان عرضه می‌داریم و این نخستین مرحله است. درباره متن این اثر است و پایه‌ای برای تتبع بعدی آن. در اینجا باید اقرار کنیم که البته در متن حاضر کمبودهای زیاد و کار پرداخت نشده و صیقل نخورده راه یافته است. ولی ما از این آزمایش که با تمام وسایل متن حاضر را «بهرتر سازیم» و آن را «آسان‌خوانا» کنیم پرهیز نمودیم. زیرا این کار به مقصود ما که تتبع بی‌گیرانه درباره متن است و همچنین به شیوه اساسی ما که تثبیت قدیمی‌ترین نسخ و قدیمی‌ترین ترتیب و تدوین متن می‌باشد خلل وارد می‌ساخت. در نتیجه چنین آزمایشی متن «آخرین» اثر فردوسی به وجود نمی‌آمد و ارزش کار تنزل می‌یافت و چاپ متن به زمان نامعلومی محول می‌گشت.